

ایرج افشار و ایران شناسی او

کاوه بیات

ایران شناسی حوزه‌ای است مشخص با حد و حدود جغرافیائی و تاریخی روشن در رابطه با دوره تاریخی معین. ایران شناسی، هر چند در مجموع پدیده‌ای است متمرکز بر این کل، بدنه اصلی آن از ترکیب و گرد آمدن انبوهی از مطالعات موردی و جزئی‌تر در این عرصه پرتنوع و رنگارنگ شکل می‌گیرد. در کنار تنوع موضوعی گسترده با عناوینی چون ادیان و مذاهب، فلسفه و علوم، هنر و صنعت، جغرافیا، تاریخ، مردم شناسی و قوم شناسی، باستان شناسی، زبان و زبان شناسی و بالاخره ادبیات، البته از بروز و نمود هریک از این مقولات در گستره زمانی چند هزار ساله نیز می‌توان سخن گفت.

اگرچه ایرج افشار اصولاً کتابدار بود و بخش عمده‌ای از زندگانی شغلی وی در این حوزه گذشت و، در عرصه مضامین پیش گفته نیز، شاید بتوان وی را در موضوعی چون نسخه‌پردازی، از شناسائی نسخ کهن گرفته تا فراهم آوردن زمینه‌های انتشار آنها، کاردان و کارکشته دانست، ولی ما حاصل و نتیجه علائق وی را، که در بیش از سیصد جلد کتاب و دوهزار مقاله و یادداشت ماندگار است، جز تحت عنوان ایران شناسی، به معنای تام و عام آن، نمی‌توان تعریف کرد. این بدان معنی نیست که، به رسم رایج در این مملکت، با گزافه‌گویی متعارف ادعا شود که او به تنهایی جامع جمیع معارف این حوزه بود و شخصاً بار این امانت را بر دوش می‌کشید. البته چنین نبود امّا، در تعریف ما حاصل علائق وی،

رواست که از عنوان کلی ایران‌شناسی استفاده شود؛ زیرا از اهمیت تأکید و توجه بر بسیاری از شاخه‌های آن آگاه بود و عمر پربرت خود را نیز - چه در قالب سرپرستی نشریاتی چون راهنمای کتاب (۱۳۳۷-۱۳۵۷) و دوره پنجم مجله آینده (۱۳۵۸-۱۳۷۲) همچنین بنیان‌گذاری مجموعه‌هایی چون فرهنگ ایران زمین (۱۳۳۶-۱۳۶۸)، دفتر تاریخ، نامواره دکتر محمود افشار که، بعد از انتشار ده جلد، به درستی تحت عنوان پژوهش‌های ایران‌شناسی به کار خود ادامه می‌دهد و چه با انتشار انبوهی از کتب و مقالات و یادداشت‌ها - صرف عینیت بخشیدن بدین تأکید و توجه کرد.

در توضیح بیشتر این تأکید و توجه، که او را از بسیاری از دیگر ایران‌شناسان و بالأخص متخصصان حوزه ایران‌شناسی متمایز می‌داشت، از نقش و اهمیت تحقیقات محلی در این سعی و تلاش شصت ساله می‌توان یاد کرد. بخشی از این سعی و تلاش، همان‌گونه که اینک با مروری بر مجموعه سفرنامه‌های او می‌بینیم^۱، حاصل سفرهای بسیار به اطراف و اکناف ایران بود و آشنایی با جلوه‌های تاریخ و فرهنگ مردمان این سرزمین. شناسائی پژوهشگران و مطلعین محلی، تشویق آنان به ثبت و ضبط دانسته‌هایشان و، در نهایت، فراهم آوردن موجبات انتشار این نوشته‌ها در نشریات و مجموعه‌های پیش‌گفته یا به صورت مجزا نیز از دیگر نتایج این توجه بود.^۲

کمتربخشی از این سرزمین را می‌توان سراغ کرد که تاریخ و فرهنگ آن به نوعی مورد توجه و علاقه وی نبوده باشد و، حتی الامکان و در چارچوب توانائی‌هایی که از یک فرد برمی‌آید، قدمی برای ثبت و ماندگاری آن برنداشته باشد، خواه مجموعه‌ای از قباله‌های قدیمی و کتیبه و سنگ‌نوشته‌ای در حال ویرانی باشد خواه رساله‌ای در اندازه‌گیری آب و نظام آبیاری.

۱) برای آگاهی بیشتر، علاوه بر متن پاره‌ای از این سفرنامه‌ها در مجموعه‌هایی چون گلگشت در وطن (تهران ۱۳۸۴)، ← قاسمی، سید فرید، «ایران‌نورد جهانگرد»، در ایران‌شناسی مجله‌نگار (زندگی و کارنامه مطبوعاتی ایرج افشار)، تهران ۱۳۸۹، ص ۱۰۴۵-۱۰۷۱.

۲) برای آگاهی از علائق پژوهشی ایرج افشار به ویژه توجه وی به مضامین «محلی» و «ولایتی»، علاوه بر اثر مذکور سید فرید قاسمی، که جامع ولی سخت‌یاب است، می‌توان به کتابچه فهرست موضوعی از چاپ‌کرده‌ها و نوشته‌های ایرج افشار، گردآوری بابک، بهرام، کوشیار و آرش افشار، نرس آنجلس ۱۳۸۲ مراجعه کرد که، به رغم اختصار، تصویر روشن‌تری از این مضامین به دست می‌دهد.

اهمیت این موضوع فقط هنگامی روشن می‌شود که از سنت دیرینه بی‌اعتنایی به مضامین «پیش‌پافتاده‌ای» چون تحقیقات «محلّی» یاد کنیم. بخشی از این بی‌اعتنایی در نوعی نگاه یکسان‌نگر و یکسان‌طلب به هویت ایرانی ریشه دارد که در دوره‌ای کوتاه و گذرا از تلاش ایرانیان برای تأسیس دولت - ملت جدید ایرانی‌ها رسمیتی یافت و نگاهی غالب به شمار رفت و، براساس آن، به تأسی از سرمشق فرانسوی، حتی استان‌های کشور نیز، به جای نام، شماره یافتند؛ بخشی دیگر نیز در التفات و توجه فزاینده عده‌ای از تحصیل‌کرده‌های ایرانی به آخرین دستاوردهای فکری جهان غرب در عرصه علوم انسانی بدون توجه کافی به مشخصات و ویژگی‌های حوزه‌ای که این دستاوردها می‌بایست برای درک و فهم آن به کار برده شود.

ایرج افشار، گرچه از چنین ملاحظات و دیدگاه‌هایی بی‌اطلاع نبود، به گونه‌ای که رسم او بود، ترجیح می‌داد، به جای صرف بخشی از اوقات خود به نقد چنان ملاحظات و دیدگاه‌هایی، آن را نیز صرف کار خود کند. ایران افشار نه یک کلیت تاریخی بلکه پدیده‌ای پرننگ و متنوع است که وی، در طول حیات پربارش، به جوانب گوناگون آن توجه داشت.

□